

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی‌پژوهی، سال هفتم * شماره ۱۴ * پاییز و زمستان ۱۴۰۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰ * تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰ * صفحات: ۸۷-۱۱۰

محورهای تقابل گفتمانی اندیشه اهل سنت با جریان سلفیه

جواد حقیرمددی*

عباس علی‌بخشی**

چکیده

پژوهش حاضر تقابل گفتمانی جریان سلفیه با اهل سنت را در یک چارچوب منطقی با استفاده از روش متن‌محور فصل‌بندی می‌کند. تقدم ظاهر بر باطن، نحوه برداشت از نص، اجتهاد، اصول و روش‌های استنباط احکام و دلالت‌های سیاسی - اجتماعی سلفیه را به گرایشی تقلیل‌گرایانه، رادیکال و خشن از دین سوق داده و در تضاد گفتمانی با اهل سنت قرار می‌دهد. بدین ترتیب یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین محورهای این رویارویی گفتمانی را در تناقض روش‌شناسانه، تأویل ناصحیح از توحید، نهی از تقلید در کنار اجتهاد شخصی، مناقشه یک‌سویه نقل‌گرایی بر عقل-گرایی، تکفیر همراه با ارتداد، اهتمام به جهاد به‌عنوان یک اصل و در تعارضات اعتقادی همچون گسترش دایره شرک، حرمت زیارت قبور، منع توسل، شفاعت و بدعت در کنار احتراق و تخریب آثار مذهبی - تاریخی استخراج و دسته‌بندی نموده است.

کلیدواژه‌ها: اهل سنت، سلفی‌گری، سلفیه، وهابیت.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسئول): Javad.madadi@yahoo.com
** کارشناسی ارشد علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی در اسلام (پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی):
abbas.alibakhshei@gmail.com

مقدمه

تاریخ اندیشه اسلامی همراه با فراز و فرودها و آکنده از تحولات، دگرگونی‌ها، تنوع برداشت‌ها و نظریه‌ها است. در این تاریخ پرتحول، فرقه‌ها و جریان‌های مذهبی مختلف با مبانی فکری، انگیزه‌ها و اهداف گوناگون بروز نموده که پس از چندی، برخی از آنها محو شده‌اند. تعدادی نیز با سیر تحول، همچنان نقش آفرین هستند. بی‌گمان ظهور جریان سلفیه در تاریخ اسلام یکی از مهم‌ترین رویدادهای فکری - ایدئولوژیکی است که توانسته با پشتوانه ادبیات فقهی - کلامی و شبکه معنای خاص، نیاز به گرایش‌ها و فرقه‌های عقل‌ستیز را محسوس و بازتولید کند؛ مسئله‌ای که پیش از این، کم‌اهمیت قلمداد می‌شد.

از نظر تاریخی، گرایش به سلف، یکی از روش‌هایی است که در برخی از اصحاب حدیث اهل سنت، به‌عنوان رویکرد اصلی شناخت عقاید مطرح بوده و ریشه در قرون اولیه اسلامی دارد؛ اگرچه زمینه‌های فکری سلفی‌گری به‌وسیله قرائت جزئی آموزه‌های مذهبی احمد بن حنبل، فراهم شد؛ ولی در جهان اسلام، احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه حرانی، معروف به ابن تیمیه، مهم‌ترین سهم را در تأکید بر بازگشت به گذشته و سلف دارد. اندیشه و آرای وی در قالب کتاب‌های متعدد، تألیف و توضیح داده شده است.

در این میان، گرایش‌های فکری گوناگون در میان سلفیه به‌وجود آمده و در دوران معاصر، طیف وسیعی از فرقه‌ها را در جهان اسلام شامل می‌شود. برخی از سلفی‌ها مانند وهابیت در پیوند با قدرت سیاسی، حکومت تشکیل داده‌اند. برخی با عنوان سلفیه تکفیری، همچون طالبان، القاعده و داعش سعی در رسیدن به قدرت سیاسی از طریق جهاد دارند و تعدادی به منازعات کلامی با سایر مذاهب اسلامی بسنده کرده‌اند.

با وجود اینکه سلفیه از درون جریان اهل سنت سر برآورده است؛ اما با گفتمان غالب مذاهب چهارگانه سنی در ستیز و تقابل قرار دارد. همین امر سبب شده که در بسیاری از جهات روش‌شناسی، فقهی و عقیدتی، نظری مخالف با دیدگاه غالب اهل سنت ارائه دهند و در اصول و فروع دینی جابه‌جایی‌هایی صورت بگیرد. بر این مبنا سؤال پژوهش

حاضر بدین قرار است که محورهای گفتمانی متضاد و تقابلی گرایانه جریان سلفیه جدید با اندیشه اهل سنت چیست؟ با این احتساب در چارچوب تضاد درون گفتمانی، گفتمان سلفیه جدید به عنوان گفتمان رقیب اهل سنت مطرح و مهم ترین مبانی و پایه های گفتمانی این دو جریان رقیب تبیین می شود.

۱- پیشینه پژوهش

تاکنون آثار و نوشته های بسیاری درباره مبانی فکری و اندیشه ای جریان های سلفی با سایر فرق و گروه های اسلامی نوشته شده است؛ اما پژوهش های اندکی، تفاوت ها و اختلافات اندیشه ای این جریان با مذاهب چهارگانه اهل سنت را بررسی کرده اند. غالب این پژوهش ها نیز به بررسی یکی از ابعاد این تفاوت ها می پردازند؛ اما در مقاله حاضر، سعی بر آن است که همه ابعاد اختلاف نظر در محورهای گفتمانی اهل سنت با سلفیه، بررسی و تبیین شود.

۱/۱. سید محمد کثیری در کتاب تقابل سلفی گری با شیعه و اهل سنت (۱۳۸۹) با رویکردی تاریخی - کلامی مبتنی بر پژوهشی تحلیلی و تحقیقی، عقاید سلفیه حشویه و وهابیت را بررسی و ریشه یابی کرده است.

۱/۲. محمدباقر پورامینی در کتاب تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟ (۱۳۹۲) با اشاره به تاریخچه و کاربرد تکفیر، انحرافات در جریان سلفی گری را برشمرد و نحوه سوءاستفاده این جریان از مفاهیم و اصطلاحات را بیان کرده است.

۱/۳. سید شفیع هاشمی در مقاله «شیوه های وهابیت در مخالفت با اهل سنت» (۱۳۹۳) موارد خصومت آشکار و پنهان این فرقه با مذاهب اسلامی را نمایان و مصادیق مختلف آن را بیان می کند.

۱/۴. سید امیر موسوی در پژوهش «نگاهی به دو جریان اصلی سلفیه و امکان همزیستی آنها با دیگر مذاهب اسلامی» (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیده است که جریان های مختلف سلفیه، تفاوت های زیادی با هم دارند و این تفاوت در نوع برخورد آنان با سایر مسلمانان نیز متبلور است.

۱/۵. ناصر مریوانی در مقاله «ضوابط و موانع تکفیر از نگاه اهل سنت» (۱۳۹۸)



طی یک بررسی به این نتیجه رسیده است که تکفیر اهل قبله به عنوان یک اصل توسط فقها و متکلمین اهل سنت، ممنوع و خلاف قواعد و ضوابط شرعی است.

۲. تعریف مفاهیم

۲/۱. گفتمان^۱

گفتمان در لغت به معنای گفت و گو، محاوره، گفتار، طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل ورزیدن و... گرفته شده است.^۲ گفتمان در گستره مفهومی خود، به ویژه در بیان غیر فنی، صرفاً به مفهوم صحبت، مکالمه یا گفت و گو به کار می رود که به طور تلویحی، بیانگر نوعی هدف آموزشی و تعلیمی است؛ از این رو، خطابه، موعظه، سمینار، سخنرانی و رساله را می توان نوعی گفتمان به معنای عام به حساب آورد؛ اما در معنای فنی، علمی و زبان شناسانه، گفتمان به جنبه هایی از زبان می پردازد که تنها می توان آنها را با ارجاع به متکلم، وضعیت یا موقعیت مکانی و زمانی یا ارجاع به متغیرهای دیگر بیان نمود.^۳ از دیدگاهی دیگر، گفتمان، همان زبان، اما در وجه اجتماعی - ارتباطی است.^۴

۲/۲. اهل سنت

اهل سنت، اصطلاحی است در علم ملل و نحل که بر گروهی از مسلمانان اطلاق می شود. واژه «سنت» در لغت، به معنای طریقه، سیره و روش آمده است.^۵ سنت در اصطلاح شرعی، به معنای سیره و دستور شارع است، اعم از دستور قولی، فعلی و امضایی. سنت بدین معنا، در فقه به کار می رود و یکی از ادله شرعی است.^۶ سنت در اصطلاح کلامی، معمولاً همراه با کلمه «اهل»، یعنی «اهل السنه» یا به اضافه واژه «الجماعة»، یعنی «اهل السنه و الجماعة» می آید.^۷ این اصطلاح به معنای گروه و فرقه-

۱. در فرانسه معادل Discourse و در لاتین معادل Discursus است.

۲. بشیر، حسن، تحلیل گفتمان دریچه ای برای کشف ناگفته ها، ۹.

۳. کلاتری، صمد و دیگران، «تحلیل گفتمان: با تأکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی»، مجله جامعه شناسی، سال ۱، ش ۴، ص ۱۲.

۴. بشیریه، حسین، نظریه های فرهنگ در قرن بیستم، ص ۸۳.

۵. ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری، النهایه، ج ۲، ص ۴۰۹.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۹۷.

۷. همان، ص ۳۹۸.

ای از مسلمانان با عقاید خاص است که به «عامه» یا «سُنی مذهب» نیز مشهورند و به چهار مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی، منشعب می‌شوند.

۲/۳. سلفیه

«سلف» در لغت به معنای «تقدم زمانی» است؛ بنابراین هر زمانی، نسبت به زمان‌های بعدی، سالف و نسبت به زمان‌های پیشین، خَلَف است.^۱ معنای اصطلاحی ثبت شده برای کلمه سلفی به سه قرن نخستین اسلام بازمی‌گردد. اهل سنت، سلف را گروهی از مسلمانان، شامل صحابه، تابعین و تابعین تابعین می‌دانند. آنها این سه نسل را به دلیل نزدیکی زمانی و مکانی و در نتیجه، تلقی بهتر وحی، بهترین مردم (خیره)^۲ می‌نامند.^۳ به نظر آنها، کل دوران سلف معمولاً سیصد سال است و مفاد این حدیث، نشانگر برتر بودن این سه نسل از دیگر مسلمانان است. در واقع، سلفیه، فرقه‌ای است که پیروان و ناقدان آن، هر کدام به گونه‌ای تعریفش می‌کنند و درباره‌اش نگاهی متفاوت دارند. از نگاه پیروانش، سلفیه در اندیشه و عمل، تبعیت از سلف صالح می‌کنند؛ اما در مصداق سلف صالح، دیدگاهشان یکسان نیست.^۴

۲/۴. وهابیت

وهابیت، نام جریان فکری - سیاسی است که در قرن ۱۲ ه. ق ظهور کرد و پیرو برخی اندیشه‌های افراطی سده‌های سوم و چهارم اسلامی است. بنیان‌گذار آن، محمد بن عبدالوهاب، (۱۱۱۵-۱۲۰۶ ق) زاده «عیینه» یکی از شهرهای صحرای معروف «نجد» است که از تحجر و خشونت، بهره‌ای تام داشت؛ هرچند پیروان محمد بن عبدالوهاب، خود را «سلفیه» یا «الموحد» می‌خوانند؛ ولی نزد محققان و مستشرقان به «وهابی» شهرت یافته‌اند.^۵ آنان به صراحت از مقوله تکفیر دفاع می‌کنند و این برداشت خود را

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۶، ص ۹۹.

۲. با استناد به حدیث خیر القرون: «خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ يَجِيءُ أَقْوَامٌ تَسْبِقُ شَهَادَةَ أَحَدِهِمْ يَمِينَهُ وَيَمِينُهُ شَهَادَتَهُ.»

۳. کثیری، سید محمد، تقابل سلفی‌گری با شیعه و اهل سنت، ص ۱۷.

۴. بداشتی، علی‌الله، «بررسی تطبیقی مبانی اندیشه سلفیه و شیعه امامیه شناخت اجمالی سلفیه و امامیه»، میقات حج، ش ۸۲، ص ۱۵۳.

۵. عدالت‌نژاد، سعید و نظام‌الدینی، سید حسین، «سلفیان تکفیری یا جهادیون، خاستگاه و اندیشه‌ها»، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۷، ش ۱۳، ص ۱۶۷.



مستند به آیه ۷۴ سوره توبه^۱ می‌دانند.

۳. روش تحقیق

در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات از متون تاریخی، فقهی و کلامی پرداخته شده است. روش‌ها، فنون اجرایی و ابزارهای تحقیق با توجه به ماهیت موضوع، اهداف و ساختار تحقیق، تبیینی است.

۴. چارچوب نظری

از منظر برساخت‌گرایانه جهان واقعیت که در آن، دانش از طریق کنش متقابل با دیگران برساخته می‌شود، امور اجتماعی و سیاسی، تنها در درون ساخت‌های گفتمانی، قابل فهم هستند و گفتمان‌ها به فهم ما از جهان شکل می‌دهند.^۲ زمانی که گفتمان نمی‌تواند رویدادهای جدید را معنادهی کند یا انتظارات سوژه‌ها را برآورده سازد، دچار بی‌قراری شده و انجماد و تصلب معنایی، زمینه قدرت‌یابی گفتمان‌های رقیب را فراهم می‌سازد؛ از این‌رو گفتمان‌ها در کلیت خود از یک سو در رقابت و منازعه دائمی با دیگر گفتمان‌ها قرار دارند؛ اما از طرف دیگر در درون نیز با منازعه خرد گفتمانی مواجه هستند.

سلفیت، شکلی از کنش کلامی - اجتماعی درون جوامع اسلامی است که به صورت گفتمان، بروز یافته و بار تاریخی و تشکیل جامعه اسلامی دوران پیامبر ﷺ را به تصویر می‌کشد. نوع برداشت جریان سلفیه از دین، یکی از شاخص‌ترین مؤلفه‌های شناسایی و تمایز آن با سایر مذاهب اسلامی است.^۳ برای فهم صحیح از باور این جریان، ناگزیر از مطالعه اهداف و راهبردهای اعلانی آن هستیم. بر این اساس، مبانی گفتمانی برآمده از جریان سلفیه در دو محور نظری و عملی، قابل تقسیم‌بندی و توضیح است:

۱. «يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ يَوْمًا لَمْ يَأْتُوا وَمَا تَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يَعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ.»

۲. منوچهری، عباس، رهیافت و روش در علوم سیاسی، ص ۱۰۴.

۳. محرمی، توحید، «ناسازگاری افراط‌گرایی و خشونت با مفهوم جهاد در اسلام»، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ ارتباطات، سال ۲۱، ش ۵۰، ص ۲۳۰.

۱/۴. گفتمان نظری سلفیه

توحید در مقابل تکفیر: گسترش دامنه تکفیر با صدور حکم ارتداد در برداشت التقاطی از توحید ربوبی و توحید عبادی؛
تقدم نقل بر عقل: عدم صلاحیت عقل در برداشت از نصوص دینی با تأکید بر ظاهر آیات و روایات؛
ردّ تأویل کتاب و سنت: پذیرش رویکرد ظاهرگرایی و انکار تأویل. در صورت باز شدن راه تأویل، دین از درب دیگر خارج می‌شود؛
فراوانی استناد به آیه و حدیث: ابتدای روش‌شناسی استنباط احکام دینی بر قرآن، سنت و سیره مسلمانان اولیه؛
اتباع در مقابل ابتداع یا بدعت: پیروی محض و بی‌چون‌وچرا در مقابل هرگونه اجتهاد یا نوآوری در اعمال و اعتقادات دینی که در قرآن و سنت نباشد.

۲/۴. گفتمان عملی سلفیه

منظور از گفتمان عملی، قضایای کلی است که راهنمای بنیادین عمل در زندگی سیاسی هستند و مبنای تصمیمات، مواضع و اقدام سیاسی _ مذهبی سلفیه است که در دو اصل کلی، جای می‌گیرند. اولاً برخی از جریان‌های سلفی دعوت، یعنی امر به معروف و نهی از منکر را مبنای عمل خود قرار داده‌اند. آنها مهم‌ترین معروف را توحید و خروج از شرک می‌دانند. ثانیاً برخلاف سایر اهل سنت، سلفیه، جهاد را اساس اسلام عملی می‌دانند و پرچم جهاد را با این فرض که همه سعی جماعت مسلمین باید معطوف به آن باشد، برافراشتند. در نتیجه تنها چیزی که اهمیت دارد، اجرای نصوص به هر ترتیب ممکن به‌ویژه با ابزار جهاد است. ابزاری که مشروعیت خود را از نص می‌گیرد. این گروه به نام جهاد اسلامی، مجاهدین، گروه‌های جهادی، تکفیریون و در اصطلاح غربی‌ها «اسلام رادیکال» خوانده می‌شوند.^۱ با حفظ این دو اصل، تعبیر جدیدی از حیث عمل سیاسی به نتایج متفاوتی منجر می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:
سلفیه جدید با توسعه دایره بدعت، بسیاری از مسائل دینی و علمی را که سلفیه قدیم



۱. فیرحی، داود، فقه و سیاست در ایران معاصر؛ فقه سیاسی و فقه مشروطه، ص ۸۱.

در حوزه اختلافات اجتهادی قرار می‌دادند، مشمول بدعت دانسته و مخالفان خود را با عنوان اهل بدعت، طرد و تکفیر می‌کنند.

سلفیه جدید با تقابل توحید در برابر بدعت و شرک، به خشونت در درون و بیرون دنیای اسلام، دامن زده است. در واقع سلفی‌گری جدید بدون تعمق و تفسیر در جست‌وجوی دین ناب و انجام دقیق توصیه‌های وحی در چارچوب نوعی از ایمان‌گرایی است.

۵. محورهای تقابل گفتمانی جریان سلفیه جدید با اهل سنت (مذاهب چهارگانه)

۱/۵. تضاد در روش‌شناسی

آنچه وجه بارز کلام سیاسی سلفیه را نشان می‌دهد، جریان اهل حدیث آن است. فقیهان اهل سنت از نظر روش و شیوه به دو دسته کلی، قابل تقسیم هستند: گروهی که مرکز آنان عراق بوده و به اصحاب رأی معروف هستند و در یافتن حکم شرعی، افزون بر قرآن و سنت، از عقل نیز به گسترده‌ترین وجه استفاده می‌کردند. آنها قیاس را در فقه، معتبر می‌شمردند و حتی در برخی از موارد بر نقل مقدم می‌داشتند. ابوحنیفه (م. ۱۵۰ ه.ق) در رأس این گروه قرار داشت. گروه دیگر که مرکز آنان سرزمین حجاز بود، تنها بر ظواهر قرآن و حدیث، تکیه و عقل را به طور مطلق انکار می‌کردند و به اهل‌الحدیث مشهور هستند. در رأس این گروه، مالک بن انس (م. ۱۷۹ ه.ق)، محمد بن ادریس شافعی (م. ۲۰۴ ه.ق) و احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ ه.ق) قرار داشتند. آنان نه تنها عقل را به عنوان منبع مستقلی برای استنباط عقاید قبول نداشتند؛ بلکه مخالف هرگونه بحث عقلی درباره احادیث اعتقادی بودند.^۱ به لحاظ روش‌شناسی، دیدگاه‌های احمد بن حنبل معروف‌ترین چهره حدیث‌گرا در قرن سوم در میان اهل سنت، در قرن هشتم در نظریات ابن تیمیه و ابن قیم جوزی انعکاس و سرانجام در قرون ۱۲ و ۱۳ ه.ق با جریان وهابیت تداوم یافت.

سلفیان در فهم دین نیز، روش‌شناسی ویژه‌ای برای جست‌وجو دارند. به نظر آنان، تنها روش‌شناسی برای تشخیص تفسیر درست شریعت، ابتدای این تفاسیر بر قرآن،

۱. فیرحی، داود، روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی، ص ۱۵۳.

سنت و سیره مسلمانان اولیه است. این روش‌شناسی کم‌وبیش در سلفیان قدیم و اهل سنت نیز وجود داشت؛ چنانکه شافعی بر استنباط احکام سیاسی بر مبنای قرآن، سنت و عمل صحابه تأکید می‌کرد و علم ناشی از این سه منبع را علم به احاطه می‌دانست. وی تنها در صورت فقدان دلیل در این منابع سه‌گانه به قیاس یا رأی، تمسک می‌کرد که البته علم بدون احاطه بود.^۱

به نظر می‌رسد وجه تمایز سلفیان قدیم و جدید، تعریف خاصی است که نوسلفیان از مفهوم تقابل سنت و بدعت و سرانجام میل به تکفیر غیر سلفیان از مسلمانان دارند. آنها با تغییراتی که در روش‌شناسی سلفی ایجاد کرده‌اند در وضعیت معرفتی و عملی خاصی قرار گرفته‌اند که شرایط (امکان) متفاوت از قدما دارند. مشرب قدمایی با تکیه بر نظریه «تصویب مجتهدین» نوعی تساهل و تسامح عملی داشتند و ناگزیر تحمل مخالفان خود را حداقل در نظر، فرض دانسته و در عمل نیز کم‌وبیش شاهد تکثرگرایی آنان هستیم.^۲ این نوع خوانش ابزارگرایی ناشی از تقدم عمل بر نظر را نظام فکری سلفیه بازتولید می‌کند که با ایده‌های ماکیاولیستی همخوانی دارد. به‌گونه‌ای که این جریان‌ها برای رسیدن به هدف، راه‌های غیر مشروع را پیشنهاد می‌کنند.

اما در روش‌شناسی فرق چهارگانه، این عناصر به‌صورتی دیگر مفصل‌بندی شده است. در این روش‌شناسی، عقل معطوف به زمان و مکان اهمیت اندکی دارد و فقه اهل سنت عمدتاً زیر سلطه حیات صحابه قرار دارد. به نوعی روش‌شناسی اهل سنت، زندگی سیاسی صحابه را از محدودیت‌های تاریخی و هرمنوتیک آن مجزا ساخته و به الگوی اصلی زندگی سیاسی و دانش سیاسی مسلمین تبدیل کرده است.^۳ منظومه روش‌شناختی اهل سنت، مفروضات مهمی دارد. عقل را کاملاً خاضع و مطیع شرع به‌ویژه اجماع صحابه در دانش سیاسی می‌کند و آنگاه که به نظریه قیاس تمسک می‌جوید، از بنیاد نسبت به وجه تاریخی زندگی سیاسی دچار غفلت می‌شود. یکی از شاخص‌های عمده تحلیل روش‌شناسی اهل سنت، گذشته‌گرایی متکی به عمل صحابه و التزام جامعه به

۱. ابوزهره، محمد، الامام لشافعی؛ حیات و عصر و آراؤه الفقهیه، ص ۷۹.

۲. قرضاوی، یوسف، دراسة فی فقه مقاصد الشریعة بین المقاصد الكلية و النصوص الجزئية، ص ۸۸.

۳. ابوزهره، محمد، الامام لشافعی؛ حیات و عصر و آراؤه الفقهیه، ص ۱۵۷.

تقلید از این دوره تاریخی در همه ادوار است. الزامی که ناگزیر، امکان هرگونه پویایی و نوآوری را از فقه سیاسی سلب می‌کند.

۲/۵. توحید، مسئله محوری سلفیان

مسلمانان، اتفاق نظر دارند که خدای متعال یگانه است. هیچ چیزی مثل او نیست و شنوا و بیناست. اهل سنت، تحقق توحید را در سه امر توحید در ربوبیت، توحید در الوهیت و توحید در اسما و صفات می‌دانند. ابن تیمیه در این باره معتقد است، توحید، تنزیه، تشبیه و تجسیم، واژگانی هستند که به سبب اصطلاحات متکلمان و دیگران گرفتار اشتراک معانی شده است؛ لذا هر گروهی از مردم چیزی را از این الفاظ اراده می‌کنند که دیگران آن معنا را در نظر ندارند. به طور مثال، معتزله و دیگران از توحید و تنزیه، نفی تمام صفات را از خدا اراده و از تجسیم و تشبیه، اثبات چیزی از آن صفات را برای خدا قصد می‌کنند؛ تا آنجا که اگر کسی بگوید خدا دیده می‌شود یا معتقد باشد که خدا دارای کلام است از دید آنان از اهل کفر به شمار می‌آید. بسیاری از گروه‌های کلامی که درباره صفات خدا سخن گفته‌اند، مقصودشان از توحید و تنزیه، انکار تمام صفات خبری یا برخی از آنهاست و مقصود از تجسیم و تشبیه، اثبات تمام آن صفات یا بعضی از آنهاست؛ اما فلاسفه از توحید، همان چیزی را اراده می‌کنند که معتزله تفسیر می‌کردند.^۱ از طرفی اختلاف علما در این مفاهیم به دلیل امور نظری و نه حقیقی موجب تکفیر گروه دیگر نمی‌شود؛ هرچند ممکن است برخی فلاسفه، معتزله و صوفیان را که به اتحاد و فناى موجودات در ذات خدا معتقد نیستند، به انحراف محکوم کنند؛ اما سلفیه با ارائه تفسیری نادرست از مفهوم توحید در تلقی از آن دچار اشتباه شده‌اند. محمد بن عبدالوهاب در کتاب کشف الشبهات، معتقد است، مشرکان زمان پیامبر ﷺ قائل به توحید ربوبی بودند؛ ولی در توحید عبادی منحرف شدند و از بت‌ها استمداد می‌جستند. به همین دلیل، حضرت محمد ﷺ مبعوث شد تا آنها را از شرک عبادی نجات دهد. بر این اساس اگر در این دوران، شخصی در توحید عبادی دچار شرک، اما قائل به توحید ربوبی باشد، کافر است.^۲ از این رو، عقیده دارند که فقط آنها دارای توحید خالص

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموعه الرسائل و المسائل لأبن تیمیه، ص ۳۶۵.

۲. محمد بن عبدالوهاب، کتاب التوحید، ص ۳۳-۳۱.

هستند و بقیه مسلمانان مشرک‌اند. کشتن آنها و اولادشان حلال و غارت اموالشان جایز و سرزمین‌هایشان جزو بلاد کفر و شرک است.

در مقابل، اکثر علمای اهل سنت معتقدند سلفی‌ها تفسیر غیر واقعی و نادرستی از آیات قرآن کریم دارند و برخی احکام درباره بت‌ها و کافران را به موارد دیگر تعمیم می‌دهند. نخست آنکه پیامبر ﷺ و اولیای الهی را به جای بت‌ها گذاشتند و دوم مسلمانان و متوسلان به پیامبر ﷺ همانند مشرکان و بت‌پرستان فرض می‌شوند.^۱

۳/۵. تحریم تقلید مذاهب

یکی از موارد افتراق بین اهل سنت و سلفیه، مسئله تقلید است. جمهور اهل سنت، تقلید از مذهب را به‌عنوان یک وظیفه، واجب می‌دانند و بر آن پایبند هستند. مطابق اصل مذکور، آنها به فتوای یکی از ائمه چهارگانه عمل می‌کنند؛ چراکه هر عملی نیاز به اجازه علمای سنی دارد و این اجازه، مانع رادیکال‌شدن افراد معمولی است. در میان فقهای اهل سنت نیز دو دیدگاه اساسی درباره جواز یا حرمت تقلید در مسائل فقهی وجود دارد. برخی از فقها تقلید را نفی کرده و قائل به اجتهاد هستند.^۲ در مقابل، برخی فقیهان متقدم و بسیاری از متأخرین اهل سنت، تقلید را جایز دانسته‌اند. امام شافعی در مواردی، دلیل نظر خود را پیروی از یک صحابی یا تابعی می‌داند. علاوه بر آن از کتاب شافعی و نیز از فقیهانی، مانند ابن سراج، احمد بن حنبل و سفیان ثوری، جواز تقلید عالم از عالم نقل شده است.^۳

سه دیدگاه از سلفیان درباره تقلید از مذاهب اربعه وجود دارد: عده‌ای آن را شرک، گروهی دیگر بدعت و عده زیادی هم تقلید را حرام می‌دانند. سلفیه تکفیری، ضمن اعتقاد به تبعیت از نص، خود را بی‌نیاز از توضیح و تفسیر می‌دانند؛ پس تقلید را جایز نمی‌شمارند و اصل آن را شرک می‌دانند. نتیجه عملی این اعتقاد آن است که در دوره کنونی نیازی به رهبران دینی و تقلید از آنان نیست و در ساخت عمل سیاسی، تقلید و اجازه جهاد معنا ندارد.^۴ بر این اساس هر کس به‌تنهایی حکم شرعی خود را استنباط

۱. ابو زهره، محمد، الامام لشافعی؛ حیات و عصر و آراؤه الفقهیه، ص ۳۱۶.

۲. نک: ابن حزم. الأحکام فی اصول الاحکام، ج ۲، ص ۳۲۱؛ المحلی بالآثار، ج ۱، ص ۸۶-۸۵.

۳. غزالی، محمد بن محمد، المستصفی من علم الاصول، ج ۲، ص ۳۸۴.

۴. محمدی الموتی، محسن، «تجزیه و تحلیل واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام در پرتو نقش‌آفرینی جریان تکفیری»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی انسان‌پژوهی دینی، سال ۱۴، ش ۳۹، ص ۱۵۰.

می‌کند و زمینه برای افراط‌گرایی و خشونت فراهم می‌شود.

۴/۵. منازعهٔ یک‌سویهٔ نقل‌گرایی بر مشرب عقل‌گرایی

از دیدگاه نشانه‌شناسی، نقل و نقل‌گرایی نزد سلفی‌ها از حد تعاریف و تلقی متعارف فراتر رفته و از جایگاه بی‌بدیل هویتی و مقدسی برخوردار شده است؛ چنان‌که میزان تدبیر و خلوص ایمان با ترازوی نقل‌گرایی و حجت‌های نقلی ارزیابی می‌شود. این اصل و رویکرد ناشی از آن، مبنی بر کفایت نقل در حیات انسانی بر تمام نگرش‌ها و اصول فکری جریان‌های سلفی است. به‌گونه‌ای که می‌توان بقیهٔ اصول معرفت‌شناختی آن را با اندکی تسامح به این اصل شاخص برگرداند یا آنها را صورت تفصیلی این اصل به‌شمار آورد. در واقع، این اصل، دستاورد مفروض تعارض عقل و نقل است که سلفی‌ها و به‌تبع، وهابی‌ها آن را راه برون‌رفت از این تعارض قلمداد می‌کنند. راه‌حلی که پایه و مبنای اخذ آن را نیز به کتاب و سنت نسبت داده و با استناد به برخی نصوص معتقدند که به عقل، ایمان ندارند؛ زیرا گمراه‌کننده است؛ اما به نص شرعی و دلایلی که نص بدان اشاره دارد، ایمان دارند.^۱

در جریان وهابیت معاصر نیز این اصل تأکید شده است. بدین صورت که اگر عقل به‌عنوان عنصری مستقل در جریان استدلال در مسائل دینی به رسمیت شناخته شده یا برای آن جایگاهی دینی لحاظ شود، در فرض تراحم آن با نص، محل اعتنا و اعتبار واقع نمی‌شود؛ بلکه مقیاس درستی و نادرستی عقل، بسته به موافقت یا مخالفت آن با نصوص کتاب و سنت است؛ زیرا اساساً عقل در شئون دینی، فاقد صلاحیت بوده و وظیفهٔ آن در حوزهٔ نظر این است که نصوص قرآنی و نبوی را بدون آنکه بدان چیزی بیفزاید، ادراک کند.^۲

بر اساس گزارهٔ اخیر، سلفی‌ها به‌طور عام و وهابیون به‌طور خاص با استشهاد به برخی آیات و نصوص برآنند که اولاً: انسان از استدلال به نص و براهین قرآنی بی‌نیاز نیست؛ زیرا در قرآن گونه‌ای از استدلال همراه تشویق انسان به تأمل در ملکوت آسمان و زمین و کشف اسرار خلقت الهی است. ثانیاً: هیچ برهان عقلی، اعم از فلسفی و کلامی

۱. ابو زهره، محمد، الامام لشافعی؛ حیات و عصر و آراؤه الفقهیه، ص ۵۹۳.

۲. العک، خالد عبد الرحمان، الأصول الفکرية للمنهاج السلفیه عند شیخ ابن تیمیة، ص ۱۵۴.

ارزشمندی نیست که قرآن بدان پرداخته باشد؛ بنابراین کار عقل فقط به استنتاج منطقی از آیات و روایات محدود می‌شود. به سخن دیگر آنچه براهین عقلی اثبات می‌کند، بی‌گمان در قرآن و سخن پیامبر ﷺ نیز آمده و جز آن، همگی گزافه و بیهوده بوده و قرآن و سنت نیز از آن نهی هستند. در مقابل، هرچند بین اهل سنت، اجماع کاملی بر عقل‌گرایی وجود ندارد؛ اما کم‌وبیش در رویکردهای فقهی و کلامی آنها بر عقل و قیاس تأکید شده است.

۵/۵. تکفیر

از دیگر مؤلفه‌های بارز اندیشه جریان سلفیه که سبب آسیب‌رساندن به مقوله وحدت در جهان اسلام شده است، توجه نکردن به معقولات و رد هرگونه معارف عقلی پویا و نوآورانه است. این موضوع، یکی از دلایل اصلی تکفیر مسلمانان محسوب می‌شود. آنها معتقدند مردم با پیروی از مذاهب، به بیراهه رفته و از صراط سلف خارج شده‌اند. سلفیه تکفیری به پیروی از ابن تیمیه نه تنها عقیده مذاهب را کفر می‌شمارند؛ بلکه آن را ارتداد نیز می‌دانند که دیگر نمی‌توان از آن توبه کرد. این دیدگاه بسیار خطرناک است و جزو عقاید خصومت‌برانگیز به‌شمار می‌آید.^۱

بدین سبب، القاعده در راستای تکفیر و دگرسازی به ترسیم دایره دشمنان با عناوین کافران، مشرکان و منافقان پرداخت. در این دایره، برخی پیروان اهل سنت به همراه شیعیان در گروه منافقان و گاه مشرکان قرار می‌گیرند.^۲ طالبان، هرگونه انحراف از شریعت مدنظر خود را برابر با گمراهی تلقی می‌کند و شیعیان را از دیدگاه خود کافر و رافضی می‌داند. دامنه تکفیر در داعش گسترده‌تر می‌شود و مردان، زنان و کودکان مسلمانی که از بیعت با آنها خودداری کنند از نظر شرعی بر خلیفه خروج کرده، زندیق و مرتد محسوب شده و محارب و واجب‌القتل هستند.^۳

درواقع شرک و کفر از دیدگاه سلفیه در گذشته، عبادات و عقاید فردی، مانند توسل به اولیا، نذر، شفاعت و زیارت قبور را شامل می‌شد؛ اما شرک و کفری که سلفیان جدید

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموعه الرسائل والمسائل لابن تیمیه، ج ۴، ص ۷۷.

۲. اسماعیلی، حمیدرضا، القاعده از پندار تا پدیدار: بررسی خاستگاه القاعده، جایگاه آن در تحولات منطقه‌ای و تأثیر آن بر اسلام‌گرایی، ص ۹۵.

۳. فرمانیان، مهدی، سلفیه از گذشته تا حال، ص ۱۳۰-۱۲۵.



به آن باور دارند و تعبیر «کفر جدید» را درباره آن به کار می‌برند، ابعاد گسترده حیات اجتماعی و مدنی فرد را دربر می‌گیرد. این درحالی است که فقها و محدثین اهل سنت و جماعت معتقدند که خداوند و پیامبر ﷺ مسلمانان را از تکفیر همدیگر بازمی‌دارند و کسی که اقدام به تکفیر دیگری کند، از خدا و رسولش نافرمانی کرده است؛ زیرا شخصی که لفظ شهادتین بر زبانش جاری شده است، حتی اگر گفتار یا کرداری از او صادر شود که ظاهری کفرآمیز داشته باشد، اصل بر باقی ماندن وی بر اسلام است. با این توضیح، اهل سنت تکفیر را به مطلق و معین، تقسیم کرده‌اند. تکفیر مطلق اختصاص به فرد معینی ندارد و تفسیر کفر بر وصف عام تلقی می‌شود؛ مانند اینکه حکم شود اگر کسی چنین بگوید یا چنین فعلی انجام دهد یا چنین اعتقادی داشته باشد، کافر است. برخلاف آن، کفیر معین است که حکم کفر را برای شخص معینی صادر می‌کند. برای تکفیر معین باید شروط و موانع آن، مانند جهل، اکراه و تأویل بررسی شود. در غیر این صورت نمی‌توان به آسانی حکم به تکفیر داد.^۱

۵/۶. جهاد

تکفیرگرایی و جهاد با کافران و بدعت‌گذاران از مؤلفه‌های مهم تفکرات سلفی‌گری و وهابیت است که ابن تیمیه در ابتدای دعوت خویش آن را پردازش کرد. از نظر وی هر چیزی که در زمان پیامبر ﷺ و سلف صالح نبوده، بدعت است که برای محو آنها باید شمشیر به دست گرفت.^۲ بدین ترتیب، ابن تیمیه، جهاد را جزو ارکان دین قرار داد و آن را حتی برتر از حج، نماز و روزه برشمرد. محمد بن عبدالوهاب نیز به تبعیت از ابن تیمیه، جهاد را امری ضروری تلقی کرد؛ به طوری که در پیمان اول خود با محمد بن سعود از وی سوگند گرفت برای نشر تفکرات سلف به جهاد برخیزد.^۳

اندیشه‌ها و آرای سلفیان، جواز هرگونه عملیات جهادی را با حربه تکفیر، تصدیق می‌کند؛ زیرا حکمی که به واسطه آن، فرد متهم از اسلام خارج می‌شود، تبعات سنگین-

۱. محمدی الموتی، محسن، «تجزیه و تحلیل واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام در پرتو نقش‌آفرینی جریان تکفیری»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی انسان‌پژوهی دینی، سال ۱۴، ش ۳۹، ص ۱۵۹-۱۵۱.

۲. ابن تیمیه، احمد، مجموعه الرسائل والمسائل لأبن تیمیه، ج ۴، ص ۷۹۰.

۳. Al-Rasheed, Madawi, A History of Saudi Arabia, p ۱۷.

تری غیر از خروج از اسلام دارد و «مرتد» لقب می‌گیرد که در زمره «کفر اکبر» است.^۱ به همین دلیل، «عبدالله عزام» معتقد بود جهاد، وظیفه هر فرد مسلمان است و جهان اسلام، راهی جز جهاد ندارد.^۲

بدین سبب جهاد از نظر جماعت‌های سلفی تکفیری چیزی بیش از یک حکم فقهی فرعی و در ردیف اصول اولیه اسلام اهمیت یافته است. تکفیری‌ها بر این عقیده‌اند که جهاد، جنگ و ترور دشمنان خدا، امری ضروری و تکامل‌بخش دعوت مسالمت‌آمیز به تشکیل حکومت اسلامی است. آنان با تمسک به ظاهر برخی آیات، آرای فقهای سلفی و وهابی و تفسیرهای خاص خود، جهاد ابتدایی، تروریسم و هرگونه خشونت علیه هر کسی (مسلمان و غیر مسلمان) را موجه جلوه می‌دهند و آن را در راه خدا تفسیر می‌کنند. در واقع، ذات و درون‌مایه جهاد در جنبش سلفی تکفیری، ماهیتی صرفاً اراهابی و هراس‌مدار می‌یابد که با ماهیت چندگانه جهاد در نظر اهل سنت که عمدتاً از خشونت دوری می‌کنند، متفاوت است.

همچنین اگر حاکمی - هرچند مدعی اسلام - مطابق دستورات شرع «حکم بما انزل الله»^۳ نکند، در زمره کافران و طاغوت است و باید با او به جهاد و مبارزه پرداخت. ویژگی دیگر جهادگرایی از دید این گروه‌ها، عوامانه کردن این حکم و استفاده ابزاری از آن است. برخلاف فقه اهل سنت که اذن جهاد را تنها از سوی علما و مشاوره، تحت شرایط سختی مجاز می‌دانستند؛ زیرا فقها به اتفاق، جهاد را وقتی واجب می‌دانند که سرزمین‌های مسلمین، مورد تهدید و هجوم قرار گرفته باشد؛ (جهاد تدافعی) اما جریان سلفی‌گری، مفهوم جهاد را عوامانه کرده و آن را به ابزاری کارآمد برای مبارزه علیه دشمنان خود در درگیری با دولت‌ها تبدیل نمودند و رهبران آنها برای خود صلاحیت صدور حکم جهاد قائل شدند.^۴ از طرفی سنت‌گرایان، جهاد اکبر را که مبارزه‌ای نفسانی

۱. رفعت، سید احمد، النبی المسلح، ص ۴۴.

۲. مستقیمی، بهرام، «مبانی و مفاهیم سیاسی القاعده»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، ش ۳، ص ۳۴۵.

۳. «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيونَ وَالْأَحْبَابُ بِمَا اسْتَحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاحْشَوُا اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مانده، ۴۴).

۴. مرادی، عبدالله و کلانتری، نصرالله، «مؤلفه‌های امکانی - امتناعی و کنش‌های انطباقی در روندهای آینده افراط‌گرایی سلفی در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال دوم، ش ۲، ص ۱۱۹-۱۱۷.



است، مهم‌تر از جهاد اصغر می‌دانند. جهاد، همچنین دارای قواعد خاصی از جمله نکشتن غیر نظامیان است. به همین دلیل، مفهوم و کاربرد جهاد در اندیشه سلفیه تکفیری با مبانی اندیشه‌ای دینی (اهل سنت و شیعه) در اصطیاد است.

۷/۵. تعارضات اعتقادی

تفاوت فرق اسلامی با سلفیل تکفیری در اختلاط معانی لغوی و اصطلاحی عبادت است. آنان عبادت را به معنای لغوی یعنی مطلق خضوع و خاکساری گرفته‌اند و با این تعریف، دایره شرک از منظر آنان خیلی گسترده شده است.^۱ بر اساس این تعریف، آنان هرگونه زیارت قبور، توسل، شفاعت از پیامبران و اولیا را شرک می‌شمارند و اصلاً به معنای اصطلاحی عبادت، یعنی اعتقاد به الوهیت و ربوبیت کاری ندارند؛ درحالی‌که سایر مذاهب اسلامی نیت عمل در عبادت را شرط درستی و نادرستی آن می‌شمارند؛^۲ در صورتی‌که اگر تواضع و فروتنی در گستره اعتقادی الوهیت نباشد، شرک نیست و نوعی احترام است؛ مانند تواضع در برابر اولیای الهی یا تواضع فرزند مقابل پدر. اما سلفیان با تفکیک نکردن «عبادت و پرستش» از «تکریم و ستایش» تفسیر غلطی از عبادت ارائه داده و هر خضوعی را عبادت و تکریم انبیا و اولیای الهی را پرستش تلقی کرده‌اند. آنان با این فرض باطل، همگان را به شرک، متهم می‌کنند. با این توضیحات، مهم‌ترین وجوه افتراق گفتمان اعتقادی اهل سنت با سلفیه تکفیری را می‌توان در چند مورد برشمرد از جمله:

۱/۷/۵. حرمت زیارت قبور

علمای اهل سنت، از همان ابتدا در برابر حرمت زیارت قبور موضع گرفته و با آن مخالفت کرده و به مقابله پرداخته‌اند و کتاب‌هایی چون شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام تألیف سبکی شافعی (قرن ۸ ه.ق)، دفع الشبه عن الرسول نوشته حصنی دمشقی (قرن ۹ ه.ق) و رفع المنارة فی تخریج أحادیث التوسل و الزیارة اثر محمود سعید ممدوح (قرن ۱۵ ه.ق) و ... را تألیف کرده‌اند. صالحی شامی از علمای برجسته مذهب شافعی و مؤلف کتاب سبل الهدی و الرشاد (قرن ۱۰ ه.ق) درباره فتوای ابن تیمیه و نظر علما درباره

۱. اسحاقی، حسین، نسیم بیداری، ص ۷۰.

۲. اسحاقی، حسین، نسیم بیداری، ص ۷۵-۷۴.

این فتوا می نویسد:

شیخ تقی الدین سبکی شیخ جمال الدین بن زملکانی، شیخ داود ابوسلیمان مالکی، ابن جملہ و علمای دیگر، درباره شرعی بودن سفر به قصد زیارت پیامبر ﷺ کتاب‌هایی در ردّ ابن تیمیہ که معاصر آنها بوده، نگاشته‌اند؛ زیرا ابن تیمیہ در این باره نظر زشتی داده است که آب دریاها آن را پاک نمی‌کند.^۱ سلفیہ سفر به قصد زیارت قبور انبیا و اولیا یا زیارت مزار آنها را حرام می‌دانند؛ در حالی که مذاهب چهارگانه اهل سنت بالاترین ثواب را برای زیارت قبر نبی ﷺ و مسافرت برای آن قائل هستند؛^۲ چنانکه وهابی‌ها گریه بر میت را جایز نمی‌دانند؛ ولی مذهب شافعی به جواز و حنابلہ قائل به مباح بودن این عمل هستند. وهابی‌ها ساخت بنا بر روی قبر را حرام دانسته؛ ولی اهل سنت آن را مکروه می‌دانند. از نظر وهابی‌ها عزاداری برای مردگان، حرام است؛ اما از نظر اهل سنت تا سه روز، مستحب و پس از آن مکروه است.^۳

۲/۷/۵. منع توسل به پیامبر ﷺ و اولیا

در احادیث و روایات و در سیره عملی اهل سنت، ادله فراوانی یافت می‌شود که با نفی توسل اهل سنت و جماعت به رسول خدا ﷺ و اولیا الله همخوانی ندارد. به بیان دیگر، سیر تفکر اهل سنت با سلفیہ تکفیری در دو جهت متفاوت است. در منابع شیعه و سنی، احادیث مستند متعددی درباره توسل وجود دارد و بیشتر این روایات بر جواز توسل به پیامبر ﷺ گواهی می‌دهد و سیره‌ای پذیرفته شده در میان مسلمانان صدر نخست و سده‌های پسین تلقی شده است. به گونه‌ای که «احمد زینی دحلان» (قرن ۱۳ه.ق) مدعی است، کسی در برابر این اقبال به توسل، ایستادگی و نقدی نداشته است؛^۴ در حالی که ملاک کفر نزد سلفی‌ها بر محور توسل، درخواست از اموات، زیارت آنها یا اعمالی نظیر نذر، قربانی و طواف قرار دارد.^۵ محور مبنایی این طرز تفکر به

۱. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد، فی سیره خیر العباد و ذکر فضائله و اعلام نبوته و أفعاله و أحواله فی المبدأ والمعاد، ج ۱۲، ص ۳۸۴.

۲. زینی دحلان، سید احمد بن السید، الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیة، ص ۱۶.

۳. اسحاقی، حسین، نسیم بیداری، ص ۴۱-۴۰.

۴. زینی دحلان، سید احمد بن السید، الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیة، ص ۳۱.

۵. محمدی الموتی، محسن، «تجزیه و تحلیل واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام در پرتو نقش آفرینی جریان

مباحث معرفت‌شناسی و روش‌شناسی سلفیه بازمی‌گردد. در مقابل عالمان اهل سنت از زمان سربرآوردن ابن تیمیه تاکنون، همواره در صدد دفاع از مسئله توسل بوده‌اند و می‌توان به آثاری، مانند الجوهر المنظم فی زیاره قبر الشریف النبوی المکرم اثر ابن حجر هیثمی (قرن ۱۰ق) و ارغام المبتدع الغبی بجواز التوسل بالنبی اثر عبدالله غماری (قرن ۱۳ق) اشاره کرد.

۳/۷/۵. شفاعت

سلفیه، شفاعت در زمان حیات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را جایز، اما طلب شفاعت از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دیگران را در عالم برزخ و قیامت شرک می‌دانند.^۱ از دیدگاه ابن تیمیه، منظور از شفاعت، قبول مشفوع‌الیه است به این معنا که هرگاه خداوند بخواهد فردی را پیامرزد به شفیعی اطاعت‌کننده اذن می‌دهد تا آن فرد را شفاعت کند و خداوند شفاعتش را می‌پذیرد.^۲

وهابیت برخلاف مذاهب اسلامی درخواست شفاعت از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا پیشوایان دینی را ناروا می‌پندارند. به باور آنها تنها از خدا می‌توان خواست که پیامبرش را در حق ما شفیع گرداند یا به او اذن دهد؛ زیرا درخواست شفاعت از غیر خدا شرک است. این اندیشه، خلاف صریح قرآن کریم است و اندیشمندانی از اهل سنت، وجوب یا جواز شفاعت خواهی (عقلی، نقلی) از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پذیرفته‌اند؛ چنانکه مسلم بن حجاج نیشابوری در جامع الصحیح (قرن ۳ ه.ق)، ابو عیسی محمد ترمذی در سنن (قرن ۳ ه.ق)، ابوجعفر محمد بن جریر طبری در جامع البیان فی تفسیر القرآن (قرن ۴ ه.ق)، ابی احسن علی بن احمد واحدی در الوسیط فی تفسیر القرآن المجید (قرن ۵ ه.ق)، نظام‌الدین اعرج نیشابوری در غرائب القرآن و رغائب الفرقان (قرن ۸ ه.ق) و ابی حیان اندلسی در البحر المحیط (قرن ۸ ه.ق) به این بحث پرداخته‌اند.

از نگاه مذهب شافعی، خداوند مقام بزرگی در قیامت به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعطا کرده است. جلال‌الدین سیوطی از علمای شافعی، با نقل روایتی از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

تکفیری»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی انسان‌پژوهی دینی، سال ۱۴، ش ۳۹، ص ۱۴۹.

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموعه الرسائل و المسائل لأبن تیمیه، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. همان، ص ۱۸۰.

شفاعت را مختص افرادی از جامعه اسلامی در روز قیامت می‌داند که گناه کبیره‌ای مرتکب شده‌اند.^۱ ناصرالدین احمد بن محمد بن منیر اسکندری مالکی درباره شفاعت معتقد است کسی که شفاعت را انکار کند، شایسته است مشمول شفاعت نشود؛ ولی کسی که ایمان به شفاعت دارد (اهل سنت و جماعتی که ایمان به شفاعت دارند) و آن را تصدیق می‌کند، پس آنها به رحمت خداوند امید دارند و اعتقادشان این است که شفاعت درباره مؤمنین گناهکار است.^۲

۴/۷/۵. بدعت

دیدگاه سلفی‌گری درباره بدعت، برآیندی از مبانی روش‌شناختی و معناشناسی این جریان است. در واقع دیدگاه نقل‌محورانه و ظاهرگرایانه‌ای که حدیث‌گرایی افراطی را به دنبال داشت، زمینه بدعت را فراهم ساخت. سلفی‌ها بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های بدعت، انتساب هر امری به دین، خارج از منابع دینی را بدعت معرفی می‌کنند. ابن تیمیه معتقد است در اسلام بدعت‌های زیادی به وجود آمده و او می‌خواهد بدعت‌ها را بزاید و به اسلام راستین زمان پیامبر ﷺ بازگردد.^۳ از نظر او، سلف، قرآن و سنت را بهتر از متکلمان دریافته‌اند و بدین ترتیب متکلمان و فلاسفه را اهل بدعت می‌داند و معتقد است آنان حقیقتی را ثابت نکرده‌اند و فقط می‌خواهند اصولی را که بنا نهاده‌اند بر آنچه پیامبر ﷺ آورده است، مقدم بدانند؛ هر چند وهابیت دیدگاه بسته‌ای درباره بدعت ارائه می‌دهد؛ اما خود گرفتار بزرگ‌ترین بدعت، یعنی تسری منابع تشریح به عملکرد شخصیت‌های اسلامی سه قرن نخست اسلام و صدور فتاوی مضحک شده است.

۵/۷/۵. احتراق و تخریب آثار مذهبی _ تاریخی

با گسترده‌تر شدن دامنه تکفیر مسلمین توسط سلفی‌ها که با بروز اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب تشدید شد، کشتار و حملات تخریبی این جریان به بلاد مختلف اسلامی آغاز می‌شود. در واقع شکل‌گیری و استقرار سلفیه از جمله وهابی‌ها، بر قتل و جنایت بر

۱. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بی‌ابی بکر، الحاوی للفتاوی فی الفقه و علوم التفسیر و الحدیث و الأصول و النحو و الأعراب و سایر الفنون، ص ۸۲.

۲. ابن منیر اسکندری، احمد بن محمد، الانتصاف فیما تضمنه الکشاف من الاعتزال، ص ۲۱۴.

۳. ابن تیمیه، احمد، مجموعه الرسائل و المسائل لأبن تیمیه، ج ۱، ص ۲۰.



ضد مسلمانان استوار است. آنها مخالفان خویش را پس از تکفیر، مستحق کشتار می‌دانند و آثار مربوط به آنان را نیز آتش زده، به کلی تخریب می‌کنند. تخریب و نابودی مزار و آثار اهل بیت علیهم‌السلام و کشتار زائران آنها بدعتی بود که در دوره معاصر از حدود یکصد سال پیش توسط وهابیت آغاز شد. این اقدامات در سال‌های اخیر با تخریب حرمین عسکرین، اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آثار تاریخی و تمدنی کشورهای اسلامی از جمله در عراق، سوریه و افغانستان ادامه یافت. از طرفی چنین دیدگاهی به درگیری‌ها و نزاع‌های مذهبی و طایفه‌ای در دنیای اسلام دامن زده است.

محوهای تقابل گفتمانی	مبانی درون گفتمانی	گفتمان اهل سنت	گفتمان سلفیه
تضاد در روش‌شناسی	ابتناء تفسیر بر قرآن، سنت و سیره	تقدم نظر بر عمل	تقدم عمل بر نظر
توحید	یکتایی و یگانگی خداوند	تفکیک حوزه توحید ربوبی از توحید عبادی	عدم تشخیص دو حوزه توحید ربوبی از توحید عبادی
تقلید	یک اصل فقهی	عمل به فتاوی ائمه چهارگانه به‌عنوان یک وظیفه واجب	تبعیت از نص و حرمت تقلید
منازعه نقل‌گرایی با عقل‌گرایی	فهم استنباط دین	عدم انکار تأویل-گرایی	تقدم نص بر عقل و رد تأویل
تکفیر	عدم تکفیر مسلمانان	تقسیم تکفیر به مطلق و معین	تکفیر عقیده، ارتداد شیعیان و پیروان مذاهب
جهاد	یک فرع دینی	جهاد تدافعی با اذن علما	ارتقا به یک اصل دینی و استفاده ابزاری از آن
زیارت	پذیرش و احترام	جواز زیارت و مسافرت برای آن	تحریم زیارت و مسافرت برای آن
توسل	اعتقاد به توسل	پذیرش به‌عنوان یک	ملاک تکفیر سایرین

	سیره		
شک دانستن شفاعت	شفاعت گناهکار توسط پیامبر ﷺ	قبول شفاعت انبیا و اولیا	شفاعت
تکفیر بر اساس نقل محوری و ظاهرگرایی	بدعت حسنه و سیئه	منع بدعت	بدعت
تخریب بر مبنای بدعت و تکفیر	احترام و منع هتک حرمت	منع تخریب	تخریب

مهم ترین محورهای تقابل گفتمانی جریان سلفیه با مذاهب چهارگانه اهل سنت

(منبع: نگارنده)

نتیجه گیری

برخلاف جریان عمومی اهل سنت و فرق دیگر، جریان سلفیه جدید با تحدید شناخت دین و معرفت دینی در حصار ایمان نقلی، معرفت دینی را به معرفت نقلی فروکاسته و آن را در محدوده نقل به بند می کشند. از سوی دیگر، عقل برهانی نیز در نظریه های سلفی - ها منبع دینی نیست؛ یعنی بر فرض هم که به یقین برسد، گزاره آن بدون استناد به نص گزاره دینی نخواهد بود؛ درحالی که عقل و رهاوردهای برهانی آن به ویژه در نگرش حکیمان اسلامی در مقابل نقل نه در برابر دین است.

مهم ترین مبانی کلامی سلفی گری را می توان در تبعیت از فهم و روش صحابه تابعان و محدثان قرن دوم و سوم، مخالفت با تأویل های کلامی - فلسفی در باب آیات و روایت قرآن، ایمان تام به ظواهر نصوص، تقدم نقل بر عقل و توسعه مفهوم شرک و کفر خلاصه کرد. از طرفی مهم ترین جنبه اجتماعی این گروه، نوعی جزم گرایی فرقه ای است؛ به نحوی که فقط پیروان خود را فرقه ناجیه و قوم برحق می دانند و دیگر گروه های مسلمان را باطل، گمراه و حتی کافر و مشرک قلمداد می کنند.

نگاه افراطی جریان سلفیه را باید با نوع دیدگاه بسیاری از متفکران سنی مقایسه کرد. از جمله اینکه آنان در برابر این حرکت انحرافی، واکنش نشان دادند و اندیشمندان سنی با سلفی ها مخالفت های فراوان نمودند. به گونه ای که پس از طرح عقاید تکفیری محمد بن



عبدالوهاب، جدی‌ترین نقدها را عالمان اهل سنت بیان کردند. ظهور جریان‌های سلفی در سده اخیر از انحرافی نظری به انحرافی عملی و فاجعه‌آمیز مبدل شد. ماهیت خشن و تکفیری جریان سلفیه معاصر، موجب شد قدرت و خشونت در دل آن نهادینه شود. رویکرد جاری این جریان، تکفیر پیروان مذهب شیعه است؛ اما خشونت و ددمنشی حرکت آنان، کیان جهان اسلام را به مخاطره انداخته و امنیت آنان را سلب کرده است. فجایع صورت‌گرفته در عراق، سوریه، لبنان، افغانستان، پاکستان و سایر بلاد اسلامی، نمونه‌ای از نتایج حرکت افراطی سلفیان معاصر است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری، النهاية، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموعة الرسائل و المسائل لأبن تیمیه، بیروت: لجنة التراث العربی، ۲۰۱۰م.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: مؤسسه احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن منیر اسکندری، احمد بن محمد، الانتصاف فیما تضمنه الکشاف من الاعتزال، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۹ق.
۶. ابو زهره، محمد، الامام لشافعی؛ حیات و عصر و آراؤه الفقهیه، قاهره: دارالفکره العربیه، ۲۰۰۵م.
۷. اسحاقی، حسین، نسیم بیداری، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۷.
۸. اسماعیلی، حمیدرضا، القاعده از پندار تا پدیدار، بررسی خاستگاه القاعده، جایگاه آن در تحولات منطقه‌ای و تأثیر آن بر اسلام‌گرایی، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۰ش.
۹. بداشتی، علی‌الله، «بررسی تطبیقی مبانی اندیشه سلفیه و شیعه امامیه شناخت اجمالی سلفیه و امامیه»، میقات حج، ش ۸۲، ۱۳۹۱ش.
۱۰. بشیر، حسن، تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ش.
۱۱. بشیریه، حسین، نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان، ۱۳۷۹ش.
۱۲. رفعت، سید احمد، النبی المسلح، لندن: ریاض الریس للکتب و النشر، ۱۹۹۱م.
۱۳. زینی دحلان، سید احمد بن السید، الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، دمشق: انتشارات مکتبه الأجاب، ۱۴۲۴ق.
۱۴. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بی ابی بکر، الحاوی للفتاوی فی الفقه و علوم التفسیر و الحدیث و الأصول و النحو و الأعراب و سایر الفنون، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۱۵. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، سبیل الهدی و الرشاد، فی سیره خیر العباد و ذکر فضائله و اعلام نبوته و أفعاله و أحواله فی المبدأ و المعاد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۳م.
۱۶. عدالت‌نژاد، سعید و نظام‌الدینی، سید حسین، «سلفیان تکفیری یا جهادیون: خاستگاه و اندیشه‌ها»، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۷، ش ۱۳، ۱۳۹۰ش.
۱۷. العک، خالد عبد الرحمان، الأصول الفکریه للمنهاج السلفیه عند شیخ ابن تیمیه، أمان:



مکتب الاسلامی، ۱۹۹۵م.

۱۸. غزالی، محمد بن محمد، *المستصفی من علم الاصول*، تحقیق و تعلیق: محمد سلیمان الاشقر، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۲ش.
۱۹. فرمانیان، مهدی، *سلفیه از گذشته تا حال*، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۵ش.
۲۰. فیرحی، داود، *روش شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۲۱. فیرحی، داود، *فقه و سیاست در ایران معاصر*، فقه سیاسی و فقه مشروطه، تهران: نشر نی، ۱۳۹۴ش.
۲۲. قرضاوی، یوسف، *دراسة فی فقه مقاصد الشریعة بین المقاصد الكلية و النصوص الجزئية*، قاهره: دارالشروق، ۱۴۲۷ق.
۲۳. کثیری، سید محمد، *تقابل سلفی گری با شیعه و اهل سنت*، ترجمه: علی زمانی، تهران: نشر معشر، ۱۳۸۹ش.
۲۴. کلاتری، صمد و دیگران، «تحلیل گفتمان با تأکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی»، *مجله جامعه شناسی*، سال ۱، ش ۴، ۱۳۸۸ش.
۲۵. محرمی، توحید، «ناسازگاری افراط گرایی و خشونت با مفهوم جهاد در اسلام»، *فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ ارتباطات*، سال ۲۱، ش ۵۰، ۱۳۹۹ش.
۲۶. محمد بن عبدالوهاب، *کتاب التوحید*، ترجمه: اسحاق دبیری، بی جا: بی نا، ۱۳۸۹ش.
۲۷. محمدی الموتی، محسن، «تجزیه و تحلیل واگرایی اعتقادی و اندیشه ای در جهان اسلام در پرتو نقش آفرینی جریان تکفیری»، *دو فصلنامه علمی - پژوهشی انسان پژوهی دینی*، سال ۱۴، ش ۳۹، ۱۳۹۷ش.
۲۸. مرادی، عبدالله و کلاتری، نصرالله، «مؤلفه های امکانی - امتناعی و کنش های انطباقی در روندهای آینده افراط گرایی سلفی در جهان اسلام»، *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، سال ۲، ش ۲، ۱۳۹۹ش.
۲۹. مستقیمی، بهرام، «مبانی و مفاهیم سیاسی القاعده»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۰، ش ۳، ۱۳۸۹ش.
۳۰. منوچهری، عباس، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت، ۱۳۹۰ش.
۳۱. Al-Rasheed, Madawi, *A History of Saudi Arabia*, London: Cambridge University Press, ۲۰۰۲.